

کلید سرخ دروغ

گفتاری درباره علل اجتماعی و عواقب تهمت، از منظر احادیث
اهل بیت (علیهم السلام)

علیرضا ذاکری

همه این‌ها نیست، مگر بخاطر طمع داشتن بر آنچه دیگران دارند. طمع عمل ناپسندی است که منشاء نفاق و کینه‌ورزی‌هاست. همه این‌ها زمانی از آدمی سر می‌زند که کنترلی بر خواسته‌های خویش ندارد. قساوت و کم‌عاطفه بودن عاملی‌ست که سبب می‌شود آدم‌ها به همدیگر رحم نکنند. برآستی افرادی گرفتاری این‌گونه را ذیل اخلاقی‌اند، آیا رویشان می‌شود خود را مسلمان بنامند. می‌توانند خود را از شیعه مرتضی‌علی (علیه السلام) قلمداد کنند؟!

تهمت زدن زدن به برادر دینی خود، ریختن آبروی همکار و نزدیکان خویش عملی نیست که خدای بزرگ پراحتی از آن بگذرد. خدا برای عرض و آبروی بندگان اهمیت بسیاری قائل است. بطوری که تهدید کرده است، اگر آبروی کسی را ببرید، چنانچه در پستوی خانه‌هایتان مخفی شوید، سببی خواهم ساخت تا آبروی‌تان برود. در روایات اهل بیت عصمت و طهارت سفارش فراوان شده است: اگر کسانی می‌خواهند آبروی کسی را بریزند، تو خودت را کنار بکش و دخالت نکن!

اما در زمانه ما متأسفانه، حتی رسانه‌ها مطبوعاتی و جریان‌های سیاسی به همدیگر رحم نمی‌کنند و برای رسیدن به اهداف حزبی خود، از تهمت زدن و ریختن آبروی رقیب ابایی ندارند! شاید این امر در همه دنیا، حتی جزء ابزار کار حرفه‌ای جناح‌ها قلمداد شود! اما زیر پا نهادن خصایص اخلاقی در سرزمین اسلامی، آن‌هم توسط

آزارشان به احدی نمی‌رسد. سرتاسر لحظات زندگی‌شان مهربانی و انجام امور بشر دوستانه است. آنها چنان خود را فراموش می‌کنند، گویی که از جنس بشر نیستند. این انسان‌های وارسته، به کمال تسلیم فرامین خدای خویش هستند و هیچ امر نمی‌تواند آن‌ها را به مرز خصلت‌های ناپسند بکشاند.

در مقابل نیز انسان‌هایی فراونی هستند که خود را مالک بر رفتار خود می‌دانند و هر آنچه به سودشان باشد انجام می‌دهند. در دل‌شان ذره‌ای از عاطفه خبری نیست. اوج تفکرات‌شان، رسیدن به اهداف تعیین شده‌ای است که برای خویش ترسیم کرده‌اند. در این مسیر از هیچ اقدامی نمی‌گذرند. آن جمله معروف را حتماً بیاد دارید! «هدف وسیله را توجیه می‌کند». خدا خیرشان ندهد کسانی را که این تفکرات خودخواهانه را بنا نهاده‌اند. عده‌ای ساده این عبارات را شنیده و به آن عمل می‌کنند.

این افراد خود را آزاد از هر قید و بندی می‌دانند. این‌ها وقتی به جایگاه کسی چشم داشته باشند، خدا رحم کند به کسی که در آن جایگاه قرار دارد. یا باید تسلیم شود و آبرویش را بردارد و برود، یا بماند تا مبارزه‌ی زنده‌ای شروع شود. خدا می‌داند؛ از صبح تا شام و از شام تا صبح در ذهن‌شان درگیر آن هستند که چگونه به آن بنده خدا که مشغول کارش است، صدمه بزنند و چگونه آبرویش را بریزند. چه تهمتی بزنند که نتواند در جامعه سربلند کند و صدها نقشه دیگر!

بسم الله.

شکی وجود ندارد که انسان موجود ناطق است. او می‌تواند با قابلیت حرف زدن، نیازهای خودش را مطرح کند و اموراتش را بگذراند. بسیاری از انسان‌ها با همین عضو کوچک می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند که مهم‌ترین آن ابراز عقیده دینی است که در اسلام به شهادتین معروف است. زبان کمک می‌کند تا فرد بتواند از محدوده کفر خارج و به حیطه دین وارد شود. زبان به عنوان قابلیت ارتباطی، نقش مهمی در زندگی نوع بشر برعهده دارد. چنانچه هر چیزی در این عالم می‌تواند کاربردهای وسیعی داشته باشد، زبان نیز بی‌شمار کاربرد دارد. از بدزبانی و ناسزا گرفته تا فرمان صادر کردن برای انجام جنایات بزرگ علیه هم‌نوع خود.

انسان موجود عجیبی است. اگر بتواند مهارت بر نیازهای خود بزند و لجام گسیخته زندگی نکند، کم‌کم خوی حیوانی در او محو و خصلت‌های معنوی و روح الهی در وجودش ریشه می‌گذارد. اگر اینگونه عمل کند، برآستی که تماشایی خواهد شد و هرآنکس در گرد او باشد، از وجودش خیر خواهد دید. این انسان‌های خودساخته

است که قهر خدا را سرعت می بخشد. مولای متقیان امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «زبان درنده ای است که اگر رها شود، گاز می گیرد، پس بر زبان خود لگام بزنی و آن را در دهان خود کنترل کنی تا دیگران از سمت تو آسوده باشند.»

در پایان بد نیست ماجرای عجیبی که از شخص مؤمن و صادقی شنیده ام برایتان مطرح کنم. یکی از همکاران قدیمی ام که انسان صالح و صادقی هستند سال هاست ایشان را می شناسم. روزی مرا دید و خواب عجیبی که دیده بود، برایم تعریف کردند. ایشان برایم گفتند: «چند شب قبل، خواب دیدم در غسالخانه ای هستم و یکی از افراد فامیلم که به تازه گی فوت شده است روی تخت غسالخانه دراز کشیده و مرا می نگرند. از او پرسیدم تو که مرده بودی، پس چرا زنده شده ای؟! از آن طرف چه خبر؟ او در حالی که به زبان خودش اشاره می کرد به من گفت: پسرعمو، امان از این زبان. اینجا هر چه می کشم از دست همین عضو کوچک است. پسرعمو خیلی مواظب باش!

دوستم ادامه داده و به من گفتند: «این خواب خیلی روی من تاثیر گذاشته است. من همیشه احادیث پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) را می خواندم که از گناهان زبان فرموده اند و به ما هشدار داده اند. اما تصور نمی کردم ماجرا تا این حد جدی باشد. خدا مرا خیلی دوست داشته که از این طریق به من هشدار داده.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای آن که ما حواس مان به عاقبت کارمان باشد، می فرمایند: «بیشترین اهل دوزخ کسانی هستند که گناه زبان انجام داده اند.» این سخنان چنان سخت و تکان دهنده است که انسان عاقل سخت مراقب زبانش خواهد بود و فقط به وقت ضرورت دهان باز می کند تا کلامی به اختصار بگوید و باقی اوقات نیز به توصیه نورانی امام رضا (علیه السلام) سکوت اختیار می کند. چنانچه آن حضرت فرموده اند: خاموشی گزینی، زیرا خاموشی دری از درهای حکمت است.

پنجم آنکه هر آنچه برای خود می پسندد برای دیگران هم پسندد.

پیش از این نکته آخر حدیث امام صادق (علیه السلام) در مباحث قبلی مطرح شده بود. امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «همه قانون این است که آنچه بر خود می پسندی بر دیگران نیز پسند و آنچه بر خود نمی پسندی، برای دیگران نیز می پسند!» شک نداشته باشیم که سخنان اهل بیت (علیهم السلام) چون نور حقیقت دارند و وقتی می فرمایند که اگر چنین نباشیم در قبضه شیطان هستیم، حتما چنین است و این افراد در قبضه شیطان قرار دارند. وگرنه کسی که خود را تسلیم خدا کرده است، هرگز به خود اجازه نمی دهد که بی محابا با تهمت و دورغ هایش، آبروی برادر دینی خود را ببرد!

حتما می دانید کسانی هم هستند که مورد تهمت قرار می گیرند که متأسفانه مقصر اصلی ریختن آبروی شان، کسی نیست جز خود آن ها. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «سزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با افراد مظنون همنشین می کند». حتما چنین است. کسی که با بی مبالاتی و لاقیدی، در هر جمعی حاضر می شود و با افرادی که خوش نام نیستند، دوستی می کند، حتما در مظان اتهام قرار می گیرد.

در جامعه ای که کمتر کسی می تواند جلوی زبان خودش را بگیرد و به ما نسبت بد ندهند، مجبور هستیم سخت مراقب رفتار و رفت و آمدهای خود باشیم. بر فرض محال این که کسی به خود زحمتی نداده و تهمتی نثار نخواهد کرد! برای ما بهتر است با کسانی حشر و نثر داشته باشیم که سرشان به تن شان بیارزد. گاهی ما انصافا در حق خودمان کوتاهی می کنیم و شأن خودمان را خیلی پایین می آوریم و با هر کسی که سر راه مان سبز شود، طرح الفت می ریزیم! حیف ما نیست؟!

باز هم مجبوریم از جولان دادن های عضو کوچکی که در دهان خود داریم سخن بگوییم. این عضو سرخ، آخرش سر ما را بر باد خواهد داد و دست خالی در محشر خواهیم ایستاد با دستان خالی و کوله باری از مظلمه و گناهان دیگران که باید بر دوش بکشیم. زیاد خوشحال نباشیم. تنبیه خدا تنها به قبر و قیامت حواله نشده است. ریختن آبروی دیگران، از گناهانی

کسانی که قرار است مسئولیت های مهمی را بعهده بگیرند، جای حیرت و تأسف بسیار دارد. بی شک کسانی که خود را ملزم به رعایت اخلاقیات می دانند و همواره در مسیر دستورات خدا و رسولش حرکت می کنند، ضرر نخواهند کرد. زیرا خسران اصلی شامل کسانی خواهد شد که خود را آلوده به رذایل اخلاقی کرده و حرمت ها را شکسته اند.

نمی دانم چه مرضی است که چون طاغوتی سمج ما را رها نمی کند. تا به همدیگر می رسمیم و چانه مان گرم می شود، دوستان، آشنایان، همکاران و دیگرانی که در جمع مان حاضر نیستند را، در کمال بی انصافی و جرأت فراوان، به رگبار هر حرف بی ربط و با ربط در می بندیم. کافی است شخص دیگری نیز جمله ای بگوید و چهارتا بگذارد روی حرف ما! تا آبروی آن فرد غایب را به فنای کامل ندهیم، دست بردار نیستیم. در این مواقع، نه کسی حاضر است از روی خیرخواهی، پندی دهد و جلوی ما و زبان ما را بگیرد و نه خودمان حاضریم شیطان را لعنت کرده و بحث را تمام کنیم. انگار بجای آن که شیطان ما را یقه کرده باشد، این ما هستیم که چون شیطانی ناشی، خلق الله را یقه کرده ایم. چه قسمی بخوریم که هیچ خبری در این مجالس نیست؟!

دنیا پر است از موضوعات فراوان و جذاب دیگر! می توانیم در مورد هنر حرف بزنی. در مورد تخصص و خصلت های خوب افراد سخنی بگوییم تا نکته ای را آموخته باشیم. بخدا خویبت ندارد در مطبوعات رسمی کشور قرار باشد، ابتدایی ترین رفتار ناپسند را گوشزد کنیم!

تا جایی که من یادم هست، این حرف ها و این نصیحت ها مال دوران کودکی بود و به ما می گفتند، حرف بد بهم نزنید، دورغ نگویید، با هم دوست باشیم ... وقس علی الهذا.

به حدیث بسیار تکان دهنده ای از امام صادق (علیه السلام) برخوردیم. حضرت می فرمایند: «شیطان گفته است همه مردم در قبضه حکومت من هستند جز پنج کس. اول کسی با نیت صحیح در هر کاری بر خدا توکل کند. دوم آن که در شبانه روز به هنگام ثواب و خطا بسیار یاد خدا باشد. سوم آن که در هنگام مصیبت صبر کند. چهارم آن که قسمت الهی راضی باشد و غم روزی نخورد و